



۲ فبروری ۲۰۱۴



داکتر سید عبدالله کاظم

درسی که باید از گذشته آموخت!

درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009

(به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان»)

Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

قسمت اول

پیشگفتار

از دوسه هفته بدینسو هممه دربارۀ کتاب خاطرات «رابرت گیتس» وزیر دفاع سابق امریکا تحت عنوان «وظیفه» که در این روزها تازه به بازار آمده است، همه جا را فرا گرفته و درباره روابط افغانستان با اضلاع متحده امریکا طی چند سال اخیر سؤالیهای زیاد را خلق کرده است. اشاره به اینکه اداره اوباما به یک «توطئه خام و ناکام» جهت کنار زدن حامد کرزی در انتخابات 2009 دست یازیده و نیز از همان آغاز به آینده استراتژی امریکا در مورد افغانستان بی باور بوده است، اذهان عامه را در داخل امریکا و نیز در افغانستان مغشوش ساخته است که میتوان آنرا یکنوع زمینه سازی برای انتخابات آینده در امریکا به نفع جمهوری خواهان تلقی کرد و در عین زمان با حساسیت اوضاع در کشور نشر این مطالب به «تبر» کرزی برای التوای امضای موافقتنامه امنیتی دسته میدهد، چنانکه اکنون رسانه های داخل کشور بخصوص مخالفان موافقتنامه و گماشتگان دو کشور همسایه از آن بهره برداریهای سیاسی فراوان میکنند.

رابرت گیتس درباره روابط امریکا با افغانستان طی مأموریت بیش از چهار سالش به حیث وزیر دفاع امریکا مطالب زیادی در کتاب خود بیان کرده و اخیراً عزیز حکیمی طی گزارشی تحت عنوان «وزیری جنگ؛ مروری بر کتاب جنجالی خاطرات رابرت گیتس» - منتشره بی بی سی مورخ 25 جنوری 2014 نکات عمده کتاب را بررسی نموده که ما در اینجا فقط به آنچه او درباره انتخابات سال 2009 ریاست جمهوری افغانستان نوشته است، از قول حکیمی - روزنامه نگار بطور مختصر اشاره میداریم:

آقای گیتس اشاره میکند که «انتخابات سال 2009 باید در ماه می آن سال برگزار می شد، اما ایالات متحده اصرار داشت که این انتخابات به اگست 2009 به تعویق افتد و ریچارد هالبروک، فرستاده ویژه امریکا برای افغانستان و پاکستان معتقد بود که برگزاری انتخابات در ماه می میتوانست توانائی اپوزیسیون سیاسی افغان را برای رقابت در انتخابات و نیز قابلیت آیساف را در تأمین امنیت تضعیف سازد و گیتس به تعویق افتادن انتخابات به ماه اگست در نتیجه اصرار اداره اوباما و هالبروک را نقض قانون اساسی این کشور و مسامحه در نگهداشتن کرزی در قدرت به صورت غیرقانونی برای چند ماه میخواند.»

رابرت گیتس اضافه میکند: «هدف از اینکار وقت دادن به دیگر نامزدان ریاست جمهوری برای سازماندهی خود و شرکت در انتخابات معتبر در افغانستان بود. این کار به هالبروک نیز وقت کافی میداد تا جایگزین مناسب کرزی را انتخاب و از او حمایت کند و [به عبارت گیتس]: به جهنم که قانون اساسی بر سر راه دستیابی به این هدف نقض می شد؛ هالبروک اصرار داشت که تمامی نامزدها به صورت مساوی از امنیت شخصی، دسترسی به رسانه ها و امکانات کمپاین انتخاباتی برخوردار باشند. اما خواست واقعی او این بود که به رقبای کرزی اعتبار کافی بدهد تا کرزی در دور اول رأی کافی کسب نکند و انتخابات به دور دوم کشیده شود». به گفته گیتس: «با اینکه برخلاف انتخابات 2004، موضع رسمی امریکائی ها در انتخابات 2009 بیطرفی بود، اما ریچارد هالبروک و کارل آیکن بیبری سفیر وقت امریکا در کابل با نامزد های رقیب کرزی ملاقات میکردند، با آنها عکس می گرفتند و حتی در گردهمایی های آنها شرکت میکردند» به گفته گیتس: «این امر باعث شد تا کرزی به این نتیجه برسد که امریکا از او فاصله گرفته و در حال معامله با جنگ سالاران و کمک به برنده شدن آنها در انتخابات است». گیتس اعتراف

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنېنت تاسو همکاري ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

میکنند که: «قضایای انتخابات باعث شد که کار با کرزی از قیل دشوارتر شود و انتقادات تند او حداقل در ماجرای تلاش ناکام و ناشیانه ما برای براندازی حکومتش توجیه پیدا کند».

اینکه رابرت گیتس از نظر سیاسی منسوب به حزب جمهوریخواه امریکا است، ولو که در اداره اوباما نیز به وظیفه خود به حیث وزیر دفاع آن کشور ادامه داد، اما اظهارات او درباره هالیبروک دو نقطه را میرساند: یکی اختلاف بین شیوه های کاری شخصیت های امریکائی در درون حکومت امریکا و رقابت بین اعضای حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات که یک موضوع قابل فهم است و دیگر حمایت جمهوریخواه ها از کرزی که به اصطلاح «نازدانه» جارح بوش رئیس جمهور اسبق امریکا و مورد اعتماد و حمایت او بود و در دوره اوباما دیگر آن جایگاه را نداشت که این هم قابل فهم است.

اکنون برمیگردم بر اصل موضوع:

در این مقطع زمان که انتخابات دور سوم ریاست جمهوری افغانستان در جریان است و برای اولین بار در تاریخ کشور انتقال قدرت از طریق انتخابات صورت میگیرد، بررسی موضوع انتخابات سال 2009 ریاست جمهوری افغانستان برای هموطنان عزیز از دو نقطه نظر دارای اهمیت است: یکی درک واقعیت های عیان و نهان انتخابات آن دوره به حیث یک بحث تاریخی و دیگر استفاده از تجارب تلخ آن برای انتخابات جاری ریاست جمهوری در کشور.

باید اعتراف کرد که تا حال هیچ محققی دیگر نتوانسته است موضوع انتخابات سال 2009 افغانستان را با موشگافی، دقت و امانت داری بطور جامع و بارعایت جوانب مختلف آن بررسی نماید، اما «کای آیده» که از مارچ 2008 تا مارچ 2010 به حیث نماینده سرمنشی ملل متحد در افغانستان ایفای وظیفه میکرد، از عهده اینکار به وجه احسن بدرآمده است. او نه تنها از برگزاری و اجرای امور انتخابات که یکی از رویدادهای مغلق و پر سروصدا بود، مستقیماً نظارت میکرد، بلکه اكمال موفقانه آنرا یکی از وظایف کلی و جز رسالت سیاسی بسیار مهم خود می شمرد که باید بدقت و درایت خاص انجام می یافت.

درباره اینکه کای آیده چگونه و برای اجرای کدام اهداف و وظایف از طرف آقای بانکی مون سرمنشی ملل متحد به این وظیفه دشوار توظیف گردید، مختصر باید عرض کرد: طوریکه همه میدانیم در طول بیش از یک دهه مقادیر هنگفت پول از طریق کمکهای جامعه جهانی به افغانستان سرازیر شد ولی درد اصلی کشور را طور لازم مداوا نکرد، برعکس وضع را مغلق تر ساخت. امروز که احتمال پایان یافتن این «دوره طلایی» محسوس است، همه نگران اند که با پرواز «مرغ طلایی از لبه بام ما» آینده چطور خواهد شد؟؟

این نگرانی در آغاز سال 2008 جامعه جهانی را به این فکر انداخت تا ملل متحد در انسجام و هماهنگی بین فعالیت های جوانب مختلف نیدخل در افغانستان نقش فعالتر را بعهده گیرد. در آنوقت جامعه جهانی، بخصوص ایالات متحده امریکا و بریتانیه سعی داشتند برای اجرای این وظیفه مهم از بانکی مون — سرمنشی ملل متحد بخواهند تا یک شخصیت با تجربه و عامل را به حیث نماینده خاص آن مؤسسه در افغانستان تعیین کند. آنها در نظر داشتند تا یک سیاستمدار بریتانوی بنام «پدی اشداون» را که به حیث نماینده ملل متحد در امور بوسنیا تجارب فراوان داشت، به این مقام پیشنهاد کنند. حکومت افغانستان بنا بردلایلی با آن موافقت نکرد و ترجیح داد از بین کاندید ها شخصی بنام «کای آیدی» سیاستمدار ناروژی را که او نیز در زمینه صاحب تجارب فراوان بود و قبلاً به حیث سفیر کشور ناروی در ناتو کار میکرد، به این وظیفه بگمارند. کای آیدی بتاريخ 20 مارچ 2008 به حیث نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان مقرر و شروع بکار کرد.

در آنوقت زلمی خلیلزاد که سفیر امریکا در ملل متحد (قبلاً سفیر و نماینده خاص رئیس جمهور امریکا در افغانستان و بعداً در عراق) بود، نقش کای آیدی را در افغانستان طی یک گزارش مختصرچنین بیان داشت: لازم است تا او در قدم اول کمکهای ملکی را با تلاشهای نظامی دو سازمان یعنی ناتو و آیساف که در افغانستان فعالیت میکنند، هماهنگ سازد، دوم او وظیفه دارد تلاشهای جامعه بین المللی را برای حمایت از «کامپکت افغانستان» (یک پلان پنجساله که در 2006 حکومت افغانستان، ملل متحد و جامعه جهانی روی آن توافق کرده بودند) انسجام بخشد و سوم موصوف بکوشد رهبران و شخصیت های کشورهای مهم کمک کننده (دونرها) را از اهداف مطروحه آگاه سازد و از کشورهای همسایه افغانستان بخواهد تا در ثبات آن کشور همکاری نمایند. (ملل متحد، مؤرخ 20 مارچ 2008)

د پانیو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

کای آیدی از همان اول به این نظر بود که راه حل نظامی یگانه راه نیست. او با آنکه اقدامات امنیتی را مهم میدانست، اما می گفت که باید راه حل از طریق سیاسی جستجو گردد... و ثبات در افغانستان فقط به وسیله اقدامات سالم و مختلط سیاسی، انکشافی، بشری و امنیتی به وجود آمده میتواند. او امیدوار بود که در طول مأموریت خود بتواند کمکها و تلاشهای انکشافی را بین قوای نظامی ناتو، آیساف و مقامات افغانی به وجه بهتر انسجام دهد. (مصاحبه با رویتر، مورخ 15 مارچ 2008)

کای آیدی بتاريخ 30 مارچ 2008 کار خود را در افغانستان شروع کرد و دقیقاً پس از دو سال بسیار پر ماجرا و وظیفه او به پایان رسید. او در اواخر 2010 کتاب خاطرات خود را نخست به زبان ناروژی نوشت و در سال 2012 با اضافات جدید آنرا تحت عنوان «مبارزه قدرت در افغانستان» به انگلیسی ترجمه کرد و در ذیل عنوان این جمله را علاوه نمود: «نگاهی به اینکه چرا همه چیز به کجراه رفت و چگونه میتوان این خساره را جبران کرد؟». این کتاب که در اواخر 2012 در امریکا به چاپ رسید، دارای 314 صفحه و جمعاً 42 فصل میباشد و بطور سلیس و ساده نگاشته شده و هر فصل آن شامل آنعده موضوعات مهم و مشکلاتی میباشد که موصوف در مدت دو سال مأموریت خود به حیث نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان با آن مواجه بوده است و به همین دلیل این کتاب یکی از مآخذ معتبر در باره جریانات مهم کشور در آن مقطع زمان محسوب میشود.

کای آیدی در مقدمه کتاب به چند نکته مهم اشاره میکند: «من به این امید (به افغانستان) آمدم تا بتوانم یک تغییر را به وجود آورم و کوشش کنم یک ستراتیژی فعال را شکل دهم. اما حالا خسته و ناراض آنجا را ترک میکنم: خسته از دو ساله که متواتر وضع امنیتی رو به خرابی گذاشت، اختلافات سیاسی، رقابت های شخصی و همچنان پیروی رسانه ها از همین شیوه بیشتر شد و ناراض از اینکه با احساس قوی خود که برای تغییر داشتم، به آن دست نیافتم... دو سال گذشت، کرسی از من راضی نبود، زیرا او فکر میکرد که من در برابر اضلاع متحده امریکا و دیگر خارجی ها که در انتخابات ریاست جمهوری مداخله میکردند، قویاً موقف نگرفتم و من از او ناراض بودم زیرا او بیش از پیش به جنگسالارها و دلالان قدرت اتکا کرد، با کسانی که افغانستان را در گذشته ویران کردند و نباید به آنها اجازه فعالیت در آینده داده می شد».

کای آیدی در مقدمه می افزاید که: «عمده ترین عامل ناخشنودی من اختلافات رو به تزايد من با ستراتیژی افغانستان در واشنگتن بود که بیشتر با ستراتیژی نظامی، استعمال قوه و شیوه های تهاجمی پیش میرفت و مسائل ملکی و سیاسی به حیث ضمیمه امور نظامی پنداشته می شد. ملل متحد هیچگاه بصورت واقعی در دادن مشوره به واشنگتن در مسائل مهم ستراتیژیک شریک نبود و همچنان ما همکار نزدیک با ناتو حساب نمی شدیم. از همه مهمتر مقامات افغان بیشتر به حیث تماشاچی و ناظر در مورد تعیین ستراتیژی و حل معضلات در امور کشور خود عمل میکردند... در نتیجه این ناتوانی ما در شناخت شرایط افغانستان برای تدوین یک ستراتیژی هدفمند و عملی، دیدیم که حمایت از اقدامات در افغانستان کاهش یافت و پیدا کردن راه اصلاح فوری و عاجل امور برای ما در قبال بیصبری مردم از یکطرف و افزایش حملات مخالفان از طرف دیگر بسیار مشکل شد».

ترجمه و نشر این اثر مهم بخصوص 14 فصل مربوط به انتخابات ریاست جمهوری دوره گذشته در همچو موقع حساس که دور سوم انتخابات در جریان است، به حیث یک مبحث تاریخی و بالوسيله به هدف جلوگیری از اشتباهات گذشته بسیار مفید و ضروری پنداشته میشود که بایست بزودی صورت گیرد و محتوای آن از طریق رسانه ها به اطلاع هموطنان و نیز مراجع علاقمند رسانیده شود. چون ترجمه آن به وسیله یک شخص مدت طولانی تر را احتوا میکرد، لذا به این فکر شدم تا از دوستان علاقمند که به لسان انگلیسی مهارت داشته باشند، خواهش کنم دست بهم داده و هریک به تعداد 10 الی 15 صفحه را به اسرع وقت ترجمه نمایند. خوشبختانه این نظر مورد قبول چند هموطن گرامی قرار گرفت و هریک وعده دادند که قسمت های مربوطه را بزودی ترجمه نموده و به من ارسال میدارند تا آنرا در یک فورمات مشخص گنجانیده و در پورتال افغان جرمن آنلاین به حیث یک سلسله (پیهم هر روز و یا یک روز بعد) آماده نشر سازم. در اینجا وظیفه خود میدانم تا از هریک از دوستان محترم و دانشمندم که باوجود مصروفیت های فراوان حاضر شدند زحمت ترجمه نسبتاً آزاد قسمتی از این 14 فصل مربوط به انتخابات را متقبل شوند و در ایفای این وظیفه ملی و مردمی سهم رضاکارانه گیرند، از صمیم قلب ابراز سپاس و امتنان نمایم.

عناوین فصل های مورد نظر و اسمای مترجمان هر بخش از اینقرار اند:

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

- اقدام تعجب انگیز تاکتیکی کرزی، (اینجانب)
- پنج سال دیگر با کرزی؟، (اینجانب)
- وزرای جدید و توقعات جدید، (اینجانب)
- اشتباهات تیم رؤیائی اباما، (محترم دگروال روح الله شیرزی وردک)
- اقدام تعجب آور هیلری کلنتن و کنفرانس «هاگ»، (محترم محمد همایون هارونی)
- برگشت مجدد جنگسالاران قدیم در صحنه، (اینجانب)
- روزشماری برای انتخابات و اولین برخورد با گالبرایت، (محترم فرید شیرزی وردک)
- روز انتخابات و مداخلات بیشتر خارجی، (محترم محمد نعیم مجددی)
- یک پلان خطرناک، (محترم محمد نعیم مجددی)
- تلاش برای نجات انتخابات، (محترم محمد نعیم مجددی)
- گالبرایت برکنار شد و انتقام می گیرد، (اینجانب)
- مداخلات سناتور جان کری، (اینجانب)
- آقای رئیس جمهور! من تصمیم به کناره گیری گرفته ام، (محترم محمد همایون هارونی)
- بازی آخر انتخابات، (اینجانب).

(ادامه دارد)

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ